

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



کتاب طریقہ لائق

ضیافت خلیل

* ویژه نامہ *
اربعین حسینی علیہ السلام

۱۴۰۳ھ۔ ش، ۱۴۴۶ھ۔ ق



حوزه نایسکی ولی فقیہ در امور حج و زیارت

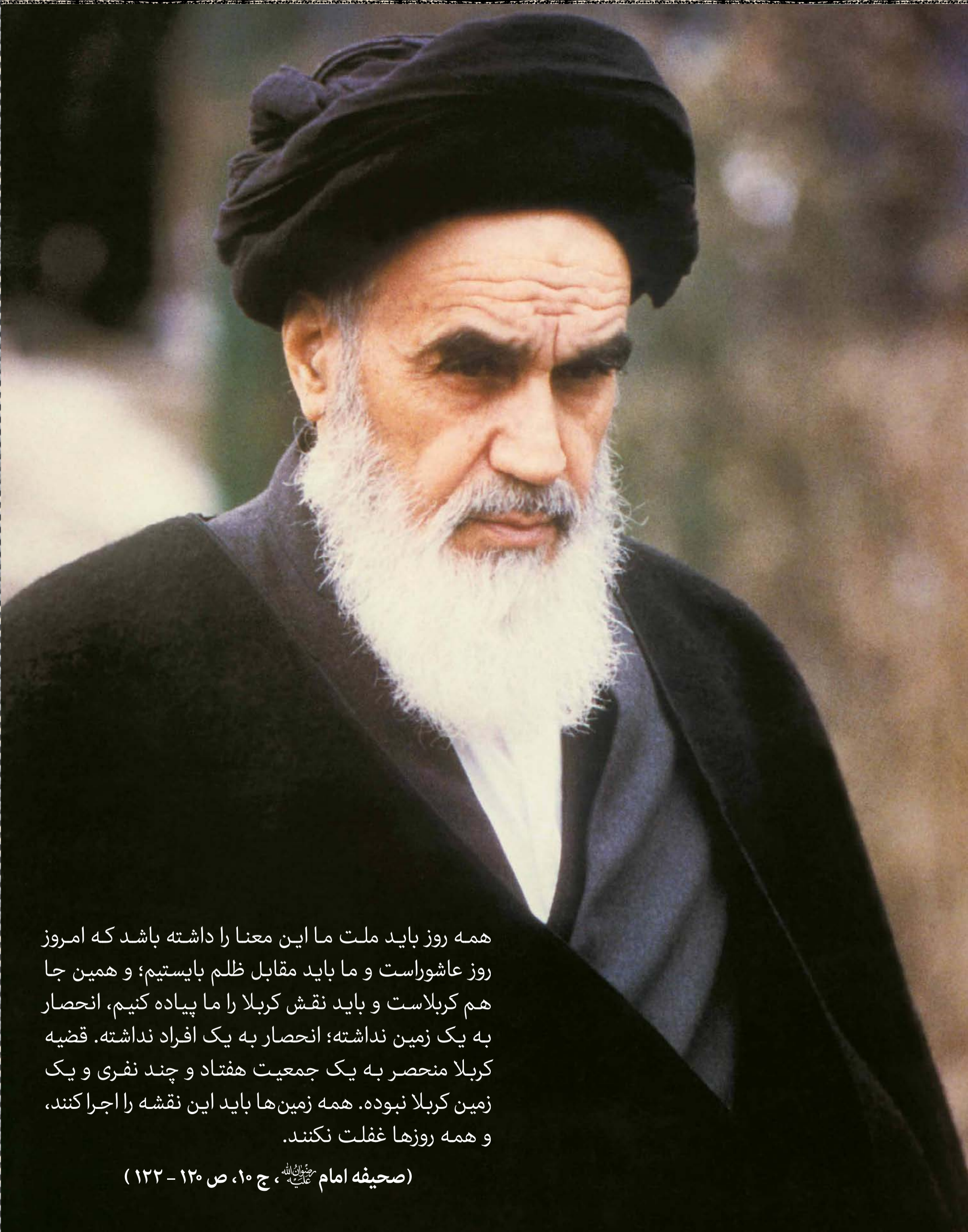
معاونت فرهنگی

مدیریت آموزشی و فرهنگی



ما: ابا: حسین

- ۴ حماسه راهپیمایی اربعین
- ۷ چرا اربعین؟
- ۸ عدد چهل در قرآن کریم
- ۱۰ عاق رسول خدا و اهل بیت علیهم السلام
- ۱۱ هر روز حسین را زیارت کن!
- ۱۲ پاداش تجهیز زائر حسینی
- ۱۳ نقش اخلاص در پیاده روی اربعین
- ۱۴ خرمنی، موی سپید و دامنی خونِ جگر
- ۱۵ زیارت اربعین و دو کار امام حسین علیه السلام
- ۱۶ زیارت اربعین، ستون ولایت
- ۱۷ زیارت از قُرب و بُعد یکسان است
- ۱۸ ذکر مصیبت اربعین از آیت الله احمدی میانجی
- ۱۹ کرامت و سعادت در اوج سختی و مصیبت



همه روز باید ملت ما این معنا را داشته باشد که امروز روز عاشورا است و ما باید مقابل ظلم بایستیم؛ و همین جا هم کربلاست و باید نقش کربلا را ما پیاده کنیم، انحصار به یک زمین نداشته؛ انحصار به یک افراد نداشته. قضیه کربلا منحصر به یک جمعیت هفتاد و چند نفری و یک زمین کربلا نبوده. همه زمین‌ها باید این نقشه را اجرا کنند، و همه روزها غفلت نکنند.

(صحیفه امام رحمته الله علیه، ج ۱۰، ص ۱۲۰ - ۱۲۲)



حماسه راهپیمایی اربعین



اربعین جهانی شد و جهانی‌تر هم خواهد شد؛ این خون **حسین** بن علی است که بعد از ۱۴۰۰ سال دارد می‌جوشد و روزبه‌روز تازه‌تر می‌شود، روزبه‌روز زنده‌تر می‌شود؛ این همان پیام عاشورا است که از حلقوم ابا عبدالله و حلقوم زینب کبری علیهما السلام در نهایت غربت و تنهایی صادر شد و امروز فضای عالم را فرا گرفته است و فرا می‌گیرد. **حسین** علیه السلام متعلق به انسانیت است؛ ما شیعیان افتخار می‌کنیم که پیرو امام **حسین** هستیم، اما امام **حسین** فقط متعلق به ما نیست؛ مذاهب اسلامی، شیعه و سنی، همه زیر پرچم امام **حسین** هستند. در این راه‌پیمایی عظیم حتی کسانی که متدین به اسلام هم نیستند شرکت می‌کنند و این رشته ادامه خواهد داشت ان شاء الله؛ این یک آیت عظمایی است که خدای متعال دارد نشان می‌دهد. در روزگاری که دشمنان اسلام و دشمنان امت اسلامی با انواع و اقسام ابزارها و وسایل، با پول، با سیاست، با سلاح علیه امت اسلامی دارند کار می‌کنند، خداوند متعال ناگهان حادثه‌ی راه‌پیمایی اربعین را این جور عظمت می‌دهد، این جور جلوه می‌دهد. این آیت عظمای الهی است، این نشانه‌ی اراده‌ی الهی بر نصرت امت اسلامی است، این نشان می‌دهد که اراده‌ی خدای متعال بر نصرت امت اسلامی تعلق گرفته است.

بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام در دیدار جمعی از موکب‌داران عراقی، ۱۳۹۸

عاشق شهید
ما: ابا حسین

عاشق شهید
ما: ابا حسین

عاشق شهید
ما: ابا حسین

عاشق شهید
ما: ابا حسین

عاشق شهید
ما: ابا حسین

عاشق شهید
ما: ابا حسین



همایش عظیم پیاده روی اربعین، امروز به برکت سرور و سالار شهیدان، به نماد بزرگی از وحدت و همدلی ملت‌ها و مذاهب مختلف بشری تبدیل شده است و حضور بی نظیر مردمی در این مراسم، هر ساله باشکوه‌تر از قبل صحنه‌های زیبا و به یاد ماندنی از عشق و ارادت عاشقان و دلدادگان آن حضرت به تصویر می‌کشد.

گردهمایی بزرگ اربعین که نمایانگر وحدت و اتحاد و روایتگر دلدادگی و عشق به امام حسین علیه السلام است، اکنون به بستری بی نظیر برای تولید قدرت در جهان اسلام، تربیت جمعی جامعه اسلامی، تحکیم پیوندهای مؤمنین و ایجاد آمادگی برای ظهور تبدیل شده است.

امروزه جاذبه امام حسین علیه السلام و عشق به اربعین حسینی، فراتر از مرزهای جغرافیایی، به شتاب دهنده بزرگی در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی تبدیل شده و اهتمام جدی به ابعاد فرهنگی و رسانه‌ای این حماسه را بیش از پیش ضروری کرده است.

شهید آیت الله سید ابراهیم رئیسی

پیام به همایش تقدیر از موکب داران اربعین ۱۴۰۲



شاید برگزاری مراسم اربعین برای امام حسین علیه السلام برای بازبینی و تحلیل واقعه عاشورا و زنده نگاه داشتن آن معمول شده است تا با روشن بینی و قدرت تحلیل واقعه عاشورا بررسی و تشریح گردد، واقعه ایی که اگر بگوییم همانند قرآن دارای لایه‌های متعدد و بی شمار است گزافه نگفته‌ایم و به بیراهه نرفته‌ایم. به هر روی اربعین خورشید آسمان شهادت و راه‌نیر هدایت در راه است، به همین منظور مطالبی در قالب چند نکته تقدیم می‌گردد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چرا اربعین؟

اعداد نه تنها در زندگی مادی که در زندگی معنوی ما نیز

حائز اهمیت فراوانند، تعداد رکعات نماز، تعداد تسیحات اربعه، تعداد تسیحات حضرت فاطمه (س) و امثال اینها نشان می‌دهند که زندگی معنوی جدا از اعداد نیست. منزلت اعداد منحصر به اعدادی نظیر پنج، هفت، دوازده و چهارده و چهل می‌شود که برای هریک دلیل یا دلایلی را ذکر کرده‌اند:

عدد پنج به دلیل ۵ تن پیامبر اولوالعزم و ۵ تن آل عبا، عدد هفت به واسطه ۷ آسمان و ۷ شهر عشق و ۷ مرحله سلوک عارفان، ۷ دور طواف خانه خدا.

عدد دوازده به دلیل ۱۲ معصوم و ۱۲ چشمه ایی که به معجزه حضرت موسی از دل سنگ جوشید،

و عدد چهارده به دلیل ۱۴ معصوم تقدس یافته‌اند؛ به همین قیاس برای عدد چهل نیز باید دلایلی موجود باشد: عقل آدمی در چهل سالگی به بالاترین کمال خود در حد استعداد هر فرد می‌رسد،

حضرت رسول در سن چهل سالگی به رسالت مبعوث شدند، حضرت موسی چهل روز در کوه معتکف بود تا الواح هفتگانه را دریافت داشت،

قوم بنی اسرائیل به دلیل کفران نعمت و پرستش گوساله به سرگردانی چهل ساله محکوم شدند،

و تخمیر طینت آدم ابوالبشر در ۴۰ روز به اتمام رسید.

عارفان و سالکان طریق حق چله نشینی را از همین آفرینش چهل روزه حضرت آدم اقتباس کردند، سهروردی بیان می‌کند که: خداوند انسان را در چهل روز آفرید و هر روز صفتی به او اعطا کرد که هریک حجابی و مایه تعلق وی به دنیا بود تا اینکه در روز چهلم حجاب‌ها کامل و متراکم شد. در چله نشینی سالک یک به یک حجاب‌ها را می‌درد تا در روز چهلم انوار حق در وی تجلی می‌یابد.

« هرچند اربعین از اعداد و کمیات است ولی در فرهنگ عرفان اسلامی این واژه کمی در ارتباط با کیفیات مطرح می‌شود و لذا تکرار عمل تا چهل مرتبه تکمیل کننده

ابعاد روحانی و عرفانی انسان را باعث می‌گردد.» سید مهدی بحرالعلوم در زمینه جایگاه عدد چهل فرموده است:

« خود به عیان دیده‌ام و به بیان دانسته‌ام که این مرحله شریفه، از مراحل عدد را خاصیتی خاص و تأثیری مخصوص است، در ظهور استعداد(ها) و تتمیم ملکات، در طی منازل و قطع مراحل.»

خاصیت اربعین در ظهور فعلیت و بروز استعداد و حصول صفات ملکه، امری است که در آیات و اخبار بر آن تصریح شده است، و در سلوک و خودسازی، برای جلب فیوضات و انوار الهی، چنانچه در قرآن و گفتار معصومین علیهم السلام و سیره اولیاء آمده است، عدد اربعین دارای جایگاه ویژه و بلند است. « در حقیقت عدد چهل سمبل آغازین تکامل، مظهر کمال، جلوه پختگی، اعلام پشت سر گذاشتن مرحله خامی و نادانی، نخستین مرحله هوشیاری... می‌باشد »

به هر روی مثالهای فراوانی را می‌توان در اهمیت عدد چهل در آیات و روایات یافت ولی در نهایت همانند بسیاری موارد که برای انسان نامکشوف است سر عدد چهل نیز برای ما نامشخص است. چه فلسفه و حکمتی در این نهفته است که چهل روز بعد از در گذشت فردی، خویشان وی گرد هم آمده و به عزاداری می‌پردازند؟ اگر هدف تنها یادآوری نام آن تازه گذشته است، چرا ۳۰ روز یا ۵۰ روز یا هر عدد دیگری را برای این امر اختصاص نداده‌اند؟ در عدد چهل چه سری نهفته است و بعد از گذشت این چهل روز چه روی می‌دهد و بایستی روی می‌داده است؟ شاید پس از گذشت این مدت انسان به روشن بینی نسبت به آن رویداد دست می‌یابد، غبار اندوه‌اندکی برخاسته و قدرت تحلیل سربرمی‌آورد و به انسان مجال می‌دهد به بازیابی آنچه گذشته پیردازد. شاید برگزاری مراسم اربعین برای امام حسین علیه السلام برای بازیابی و تحلیل واقعه عاشورا و زنده نگاه داشتن آن معمول شده است تا با روشن بینی و قدرت تحلیل واقعه عاشورا بررسی و تشریح گردد، واقعه ایی که اگر بگوییم همانند قرآن دارای لایه‌های متعدد و بی شمار است گزافه نگفته‌ایم و به بیراهه نرفته‌ایم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
ما: ابا: حسین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
ما: ابا: حسین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
ما: ابا: حسین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
ما: ابا: حسین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
ما: ابا: حسین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
ما: ابا: حسین



عدد چهل در قرآن کریم

واژه اربعین به معنای چهل، در چهار آیه قرآن کریم آمده است. سه مورد آن درباره قوم حضرت موسی علی نبینا و آله وعلیه اسلام است. و دو مورد از همین سه آیه درباره ملاقات این پیامبر بزرگ با خداوند است و آیه دیگر نیز ادامه همین موضوع است.

زیرا با رفتن حضرت موسی به میقات با خداوند و اینکه حضرت ده روز تأخیر داشتند، با فریب سامری بنی اسرائیل گوساله پرست شدند و دست از یکتاپرستی برداشتند. به همین خاطر خداوند به مجازات این عملشان آن‌ها را از سرزمین خوش آب و هوایی که بودند چهل سال تبعید کرد. بطوری که در این چهل سال هر چه تلاش کردند نتوانستند به سرزمین خود باز گردند و به اراده خداوند دوباره سر جای اول برمی گشتند.

﴿وَإِذْ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ﴾ [۱]؛ و به یاد آورید هنگامی را که با موسی چهل شب وعده گذاردیم (و او، برای گرفتن فرمان‌های الهی، به میعادگاه آمد) سپس شما گوساله را بعد از او (معبود خود) انتخاب نمودید؛ در حالی که ستمکار بودید. خداوند به موسی فرمود: این سرزمین (مقدس)، تا چهل سال بر آن‌ها ممنوع است (و به آن نخواهند رسید)؛ پیوسته در زمین (در این بیابان)، سرگردان خواهند بود؛ و در باره (سرنوشت) این جمعیت گنهکار، غمگین مباش!»

﴿وَ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ﴾ [۲] و ما با موسی، سی شب وعده گذاشتیم؛ سپس آن را با ده شب (دیگر) تکمیل نمودیم؛ به این ترتیب، میعاد پروردگارش (با او)، چهل شب تمام شد. و موسی به برادرش هارون گفت: جانشین من در میان قومم باش و (آن‌ها) را اصلاح کن! و از روش مفسدان، پیروی منما»

عیاشی از امام باقر علیه السلام در خصوص آیه: ﴿وَإِذْ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً﴾ نقل می‌کند که فرمود: چهل شب در علم الهی مقدر شده بود، اگر چه ظاهراً تقدیر بر سی شب

بود و سپس خداوند ده شب بر آن افزود. [۳] «قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ﴾ [۴]؛ خداوند (به موسی) فرمود این سرزمین (مقدس)، تا چهل سال بر آن‌ها ممنوع است (و به آن نخواهند رسید)؛ پیوسته در زمین (در این بیابان)، سرگردان خواهند بود؛ و در باره (سرنوشت) این جمعیت گنهکار، غمگین مباش»

تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام در خصوص آیه، ﴿وَإِذْ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً﴾، ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ می‌فرماید، موسی علیه السلام به بنی اسرائیل فرموده بود، وقتی که خداوند فرج شما را برساند و دشمنان شما را هلاک کند، کتابی از جانب پروردگارتان به نزدتان نازل می‌شود که مشتمل بر اوامر و نواهی و مواعظ و امثال می‌باشد، لذا وقتی فرج بنی اسرائیل فرا رسید، خداوند عز و جلّ به موسی فرمان داد که در میعاد او حاضر شود و سی روز روزه بگیرد و در کوه به مناجات پردازد و موسی گمان کرد بعد از سی روز کتاب الهی نازل می‌شود، لذا سی روز روزه گرفت و در شب آخر قبل از افطار مشغول مسواک زدن دندان خود شد، خداوند به او وحی کرد، ای موسی تو می‌دانی که بوی دهان روزه دار نزد من از هر عطری خوشبوتر است، پس ده روز دیگر نیز روزه بگیر و هنگام افطار مسواک مزین، موسی نیز چنین کرد، خداوند هم به او وعده داد که کتاب تورات را بعد از چهل شب بر او نازل کند و چنین نیز شد.

وقتی سی روز گذشت و موسی بازنگشت سامری به نزد جهال و مستضعفین بنی اسرائیل رفت و به آن‌ها گفت:

ماہ: اربابین محمد

ماہ: اربابین محمد

ماہ: اربابین محمد

ماہ: اربابین محمد

ماہ: اربابین محمد

ماہ: اربابین محمد

موسی به شما وعده داد که بعد از سی روز باز گردد، اکنون این مدّت سپری شد و موسی باز نگشته، حتما موسی از امر پروردگار نافرمانی کرده و پروردگارتان اراده کرده که به شما نشان دهد می‌تواند خودش به نفسه شما را دعوت کند و احتیاجی به ارسال موسی ندارد، آن وقت گوساله ای را که ساخت خودش بود به آن‌ها نشان داد، آن‌ها گفتند: چگونه این گوساله می‌تواند معبود ما باشد؟... زمانی که موسی به سوی قومش بازگشت متوجّه گوساله شد و در حضور مردم به او خطاب کرد: ای گوساله آیا همان طور که این مردم گمان کرده‌اند، پروردگارت در تو حلول کرده؟ گوساله پاسخ داد: ای موسی، به خدا قسم منزه است پروردگار ما از اینکه، گوساله یا چیزی مثل درخت یا هر مکان دیگری او را در بر بگیرد... گوساله گفت: ای موسی این بندگان خدا بدبخت و مبتلا نشدند مگر به جهت اینکه در درود فرستادن بر محمد و آل محمد سستی کردند و در دوستی او و وصی او انکار ورزیدند و مرا به خدایی برگزیدند، حال که خداوند به واسطه سستی در صلوات بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت اطهرش علیهم السلام آن‌ها را به گوساله پرستی مبتلا نمود، چگونه شما از خذلان بزرگتر و دشمنی با محمد صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام نمی‌ترسید؟ در حالی که آیات و دلائل آشکار حقانیت آن‌ها را مشاهده کرده اید. [۵]

«وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كَرْهًا وَوَضَعَتْهُ كَرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبِّتُّ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ [۶]؛ ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، مادرش او را با ناراحتی حمل می‌کند و با ناراحتی بر زمین می‌گذارد؛ و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش سی ماه است؛ تا زمانی که به کمال قدرت و رشد برسد و به چهل سالگی بالغ گردد می‌گوید: «پروردگارا! مرا توفیق ده تا شکر نعمتی را که به من و پدر و مادرم دادی بجا آورم و کار شایسته ای انجام دهم که از آن خشنود باشی، و فرزندان مرا صالح گردان؛ من به سوی تو بازمی‌گردم و توبه می‌کنم، و من از مسلمانانم»
عبد الرحمن بن کثیر نقل کرده که محضر امام صادق

علیه السلام عرضه داشتم: فدایت شوم از کجا برای اولاد امام حسین علیه السلام فضیلت و برتری نسبت به فرزندان امام حسن علیه السلام پیدا شد و حال آن که این دو بزرگوار در یک درجه مساوی با هم بودند؟

امام علیه السلام فرمودند: نمی‌بینم که از من بپذیرید و قانع شوید ولی در عین حال می‌گویم: هنوز حضرت امام حسین علیه السلام متولد نشده بود که جبرئیل به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد و عرض کرد: فرزندی برای شما به دنیا خواهد آمد که بعد از شما امتتان او را خواهند کشت. حضرت فرمودند: ای جبرئیل به این فرزند حاجتی ندارم. جبرئیل تا سه مرتبه خطاب مذکور را تکرار نمود...

پس حضرت پی حضرت فاطمه علیه السلام فرستاده و به ایشان فرمودند: خداوند متعال شما را بشارت داده به فرزندی که بعد از من اتمم او را می‌کشند. حضرت فاطمه علیه السلام عرض کرد: من احتیاجی به این فرزند ندارم. رسول صلی الله علیه و آله و سلم سه مرتبه خطاب مذکور را با ایشان تکرار نموده بعد فرمودند: به ناچار در این فرزند امامت و وراثت از نبوت و مالک شدن خزانة (انفال) خواهد بود.

حضرت فاطمه علیه السلام عرضه داشت: از خدا راضی شدم پس به امام حسین علیه السلام حامل شد و شش ماه این حمل در شکم آن حضرت بود سپس وضع حمل نمود و فرزندش شش ماهه به دنیا آمد و هیچ مولودی غیر از وجود مبارک امام حسین علیه السلام و حضرت عیسی بن مریم شش ماهه متولد نشد که زنده بماند... و چون حق تعالی این آیه شریفه را نازل فرمود: وَحَمَلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ... حضرت امام حسین علیه السلام از خدای عزّ و جلّ مطابق همین آیه سؤال و درخواست نمود پس حق تبارک و تعالی طبق سؤال آن حضرت دعایش را مستجاب فرمود. [۷]

[۱] سوره بقره، آیه ۵۱.

[۲] سوره اعراف، آیه ۱۴۲.

[۳] قصص الأنبياء (قصص قرآن)، ص ۴۰۶.

[۴] مائده، آیه ۲۶.

[۵] قصص الأنبياء، فاطمه مشایخ، ص ۴۰۶ و ۴۰۷.

[۶] أحقاف، آیه ۱۵.

[۷] شیخ صدوق، علل الشرائع، ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص ۶۶۷.



عاق رسول خدا و اهل بیت علیهم السلام

عَنْ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
 قُلْتُ فِيمَنْ تَرَكَ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى ذَلِكَ قَالَ:
 «إِنَّهُ قَدْ عَقَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَقْنَا وَاسْتَخَفَّ بِأَمْرِ هُوَ لَهُ.
 حلبی می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم:
 کسی که قدرت بر رفتن زیارت امام حسین علیه السلام دارد ولی ترک می کند چه حکمی دارد؟
 امام علیه السلام فرمودند:

چنین شخصی عاق رسول خدا و عاق ما اهل بیت می شود
 و حق ما اهل بیت را سبک شمرده است.

تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۲۵.



ماہِ اَبَا سَیِّدٍ

ماہِ اَبَا سَیِّدٍ

ماہِ اَبَا سَیِّدٍ

ماہِ اَبَا سَیِّدٍ

ماہِ اَبَا سَیِّدٍ

ماہِ اَبَا سَیِّدٍ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

هر روز حسین را زیارت کن!

امام صادق علیه السلام به سدید فرمود:

تَزُورُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي كُلِّ يَوْمٍ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ لَا قَالَ فَمَا أَجْفَاكُمْ قَالَ فَتَزُورُونَهُ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ قُلْتُ لَا قَالَ فَتَزُورُونَهُ فِي كُلِّ شَهْرٍ قُلْتُ لَا قَالَ فَتَزُورُونَهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ قَالَ قُلْتُ قَدْ يَكُونُ ذَلِكَ قَالَ يَا سَدِيرُ مَا أَجْفَاكُمْ لِلْحُسَيْنِ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَلْفَ مَلِكٍ شُعْتًا غُبْرًا يَتَكُونُهُ وَيَزُورُونَهُ لَا يَفْتَرُونَ وَ مَا عَلَيْكَ يَا سَدِيرُ أَنْ تَزُورَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ ع فِي كُلِّ جُمُعَةٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ أَوْ فِي كُلِّ يَوْمٍ مَرَّةً قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ فَرَسِخٌ كَثِيرَةٌ فَقَالَ لِي اصْعَدْ فَوْقَ سَطْحِكَ ثُمَّ التَّفِيتْ يَمَنَةً وَ يَسْرَةً ثُمَّ تَرَفَّعَ رَأْسَكَ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ تَنَحَّوْا نَحْوَ الْقَبْرِ فَتَقُولُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ تُكْتَبُ لَكَ زُورَةٌ وَ الزُّورَةُ حَجَّةٌ.

ای سدید آیا قبر حسین علیه السلام را هر روز زیارت می کنی؟ عرض کردم فدایت شوم نه، فرمودند: چقدر شما جفا می کنید آیا پس در هر ماه او را زیارت می کنی؟ عرض کردم: خیر فرمودند: آیا پس در هر سال او را زیارت می کنی؟ عرض کردم گاهی اوقات چنین می شود، فرمودند: ای سدید چقدر شما به حسین علیه السلام جفا می کنید مگر نمی دانی که خداوند هزار فرشته ژولیده موی و غبار گرفته دارد که گریه می کنند و امام حسین علیه السلام را زیارت می کنند و هرگز خسته نمی شوند و هیچ باک و رنجی بر تو نیست ای سدید که در هر جمعه ۵ مرتبه و در هر روز یک مرتبه قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کنی، عرض کردم: فدایت شوم میان ما و او فرسخ های بسیاری است.

حضرت فرمودند: بر روی پشت بام خانه ات برو، پس توجهی به جانب راست بعد چپ بنما پس سرت را بلند کن و بسوی آسمان پس رو کن بسمت قبر امام حسین علیه السلام و بگو «السلام عليك يا ابا عبد الله السلام عليك ورحمة الله وبركاته» که برای بدین خاطر یک زیارت نوشته می شود، این زیارت یک حج و یک عمره است سدید گفت: چه بسیار که این فرمایش را در هر ماه بیش از بیست مرتبه انجام می دادم.

(وسائل الشيعة ج ۱۴ ص ۴۹۳).



پاداش تجهیز زائر حسینی علیه السلام

صفوان جمال می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم:
 «... فما لمن جهز اليه ولم يخرج لعله؟ قال: يعطيه الله
 بكل درهم انفق من الحسنات مثل حيل احد ويخلف عليه
 اضعاف ما انفق، و يصرف عنه من البلاء مما قد نزل في دفع
 ويحفظ في ماله»

کسی که به دلیل عذری، خود نمی‌تواند به زیارت برود ولی هزینه سفر
 دیگری را می‌دهد که به زیارت برود چه ثوابی دارد؟
 امام علیه السلام فرمودند:

در مقابل هریک درهمی که خرج کرده خداوند متعال به قدرکوه احد
 ازحسنت به وی داده و چند برابر هزینه‌ای را که متحمل شده برایش باقی
 می‌گذارد و نیز بلاهایی که نازل شده را از وی دور می‌کند و همچنین مال و
 دارایی وی را حفظ و نگهداری می‌فرماید.

کامل الزیارات، باب ۴۴.





نقش اخلاص در پیاده روی اربعین



سنت پیاده روی اربعین **حسینی** که توسط علمای بزرگی چون شیخ انصاری و میرزا **حسین** نوری به یاد اهل بیت سیدالشهدا علیهم السلام تاسیس و پایه‌گذاری شد و امروز سطح بین‌المللی پیدا کرده است پیام‌ها و درس‌های فراوانی در خود جا داده است.

یکی از پیام‌های این حرکت معنوی میزان تاثیر‌گذاری «اخلاص» است که در پشت این سنت وجود دارد و هر صاحب فکری را وا می‌دارد که در کنار آن توقف کرده به تامل پردازد که عمل خالصانه چگونه می‌تواند سنت حسنه‌ای فراتر از زمان مکان و ملت قرار دهد، چراکه در سال (۱۳۱۹) که میرزا **حسین** نوری صاحب لولو مرجان بدون هیچ امکانات و موبکی با جمع ۳۰ نفره‌ای

در ایام اربعین **حسینی** با پای پیاده از نحف به کربلا حرکت کرد هرگز فکر نمی‌کرد این سنت خالصانه و پاک وی این چنین فراگیر می‌شود که جمعیت سی میلیون نفره عاشق را از هر جانب عراق به وادی عشق بکشاند پس با نگاه به این جمعیت عظیم اگرچه شیخ نورمازندران دیده نمی‌شود و او خود را پشت اخلاص زائرین پنهان کرده است ولی این درس را به همه آموخته است عملی که از سر اخلاص باشد شعاع تاثیرش تا کجا است پس همه این درس صفای باطن و اخلاص را سرلوحه رفتار خود قرار دهیم چراکه:

ایه یصعد الکلم الطیب والعمل الصالح یرفعه

فاطر/۱۰



خرمنی، موی سپید و دامنی خونِ جگر

یک گلستان گل، به رسم ارمغان آورده‌ام
 بی پناهان را بدین دارالامان آورده‌ام
 کاروان را تا بدین جا، با فغان آورده‌ام
 هم‌رهان خویش را چون خود، به جان آورده‌ام
 یک جهان، درد و غم و سوز نهران آورده‌ام
 چون از آن گلزار، پیغام خزان آورده‌ام
 پیکری بی جان و جسمی ناتوان آورده‌ام
 این یتیمان را بسوی آستان آورده‌ام
 از برایت دامنی اشک روان آورده‌ام
 یک نیستان ناله و آه و فغان آورده‌ام
 در کف خود از برایت، نقد جان آورده‌ام
 هدیه ای سوی سلیمان زمان آورده‌ام
 گوشه ای از درد دل را، بر زبان آورده‌ام
 در فغان اهل زمین و آسمان آورده‌ام

آنچه از من خواستی، با کاروان آورده‌ام
 از در و دیوار عالم، فتنه می‌بارید و من
 اندرین ره، از جرس هم، بانگ یاری برنخواست
 بس که من، منزل به منزل، در غمت نالیده‌ام
 تا نگویی زین سفر، با دست خالی آمدم
 قصه ویرانه‌ی شام از نپرسی، خوشتر است
 خرمنی، موی سپید و دامنی خونِ جگر
 دیده بودم با یتیمان مهربانی می‌کنی
 دیده بودم، تشنگی از دل قرارت برده بود
 تا به دشت نی نوا، بهرت عزاداری کنم
 تا نثارت سازم و گردهم بلاگردان تو
 نقد جان را ارزشی نبود ولی شادم چو مور
 تا دل مهر آفرینت را نرنجانم ز درد
 هاتفی پروانه را می‌گفت کز این مرثیت



زیارت اربعین و دو کار امام حسین علیه السلام



آیت‌الله جوادی آملی:

ما یک نیرویی داریم که با آن اندیشه و تفکر و اندیشه و استدلال و قیاس و مانند آن را انجام می‌دهیم و یک نیرویی داریم که عزم و اراده و نیت و اخلاص را تامین می‌کند. نفس ما همین دو نیرو را دارد اما هر کدام از اینها زیرمجموعه‌های زیادی دارند و البته رهبری اینها را خود نفس بر عهده می‌گیرد. ما با نیرویی اندیشمندیم و با نیروی دیگر صاحب انگیزه هستیم. رهبری این اندیشه و انگیزه بر عهده نفس است و اساس کار این است که یک ملت بفهمند و بشناسند.

عنصر دیگر عزم و جزم است. بین عزم و جزم فاصله از زمین تا آسمان است. یک نیرویی است که کارش جزم علمی است که حوزه و دانشگاه مسئول این کارند و یک نیرویی است که مسئول عزم است که مسجد و معبد و ناله و گریه هستند. عالم بی‌عمل یعنی کسی که در بخش جزم مشکلی ندارد ولی در بخش عزم مشکل دارد. اینکه مقدس بی‌درک داریم برای این است که

او در بخش عزم مشکلی ندارد و در بخش جزم مشکل دارد.

زیارت اربعین نشان می‌دهد که امام حسین علیه السلام دو کار را با خون دادن انجام داده است: یکی اینکه مردم را عالم کرده است و دیگری اینکه مردم را عاقل کرده. «العقل ما عبد به الرحمن و اکتسب به الجنان». اولاً مردم را اهل جزم و استدلال و برهان کرده است که خوب می‌فهمند و ثانیاً اهل عزم و اراده و تصمیم کرده است که خوب تصمیم می‌گیرند. امام حسین علیه السلام با دستی جزم علمی مردم را تامین کرده است و با دستی عزم مردم را بالا برده و بیمه کرده است. «و بذل مهجته فیک، لیستنقذ عبادک من الجهاله و حیره الضلاله». اینها در جامعه‌کردن جامعه، اثر دارد. جامعه یعنی عزم و جزم، یعنی علم و عمل. فردی که جمع بین علم و عمل کرده است، «جهانی است بنشسته در گوشه‌ای» این می‌شود جامعه.

خبرگزاری دانشجویان ایران. ۱۴۰۱/۰۶/۲۶



زیارت اربعین، ستون ولایت



همان گونه که نماز ستون دین و شریعت است، زیارت اربعین و حادثه کربلا نیز ستون ولایت است. امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: «نشانه‌های مؤمن و شیعه، پنج چیز است: اقامه نماز پنج‌گانه و یک رکعت، زیارت اربعین **حسینی**، انگشتر در دست راست کردن، سجده بر خاک و بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحیم».

مراد از نماز پنج‌گانه و یک رکعت، همان هفده رکعت نماز واجب روزانه به اضافه نمازهای نافله است که جبران کننده نقص و ضعف نمازهای واجب است؛ به ویژه اقامه نماز شب در سحر که بسیار مفید است. نماز پنج‌گانه و یک رکعت به شکل مذکور از مختصات شیعیان و ارمغان معراج رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است. شاید سرّ ستودن نماز به وصف معراج مؤمن این باشد که دستورش از معراج آمده است و نیز انسان را به معراج می‌برد.

موارد دیگری نیز که در روایت یاد شده، همگی از مختصات شیعیان است؛ زیرا فقط شیعه است که سجده بر خاک دارد و نیز غیر شیعه است که یا «بسم الله الرحمن الرحیم» را نمی‌گویند یا آهسته تلفظ می‌کنند. همچنین شیعه است که انگشتر به دست راست کردن و نیز زیارت اربعین **حسینی** را

مستحب می‌داند.

مراد از زیارت اربعین، زیارت چهل مؤمن نیست؛ زیرا این مسأله اختصاص به شیعه ندارد و نیز «الف و لام» در کلمه «الاربعین»، نشان می‌دهد که مقصود امام عسکری علیه السلام اربعین معروف و معهود نزد مردم است.

اهمیت زیارت اربعین، تنها به این نیست که از نشانه‌های ایمان است، بلکه طبق این روایت در ردیف نمازهای واجب و مستحب قرار گرفته است. برپایه این روایت، همان گونه که نماز ستون دین و شریعت است، زیارت اربعین و حادثه کربلا نیز ستون ولایت است.

به دیگر سخن، براساس فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: عصاره رسالت نبوی صلی الله علیه و آله و سلم قرآن و عترت است؛ «انی تارک فیکم الثقلین... کتاب الله و... عترتی اهل بیتی». عصاره کتاب الهی که دین خداست، ستونی دارد که نماز است و عصاره عترت نیز ستونش زیارت اربعین است که این دو ستون در روایت امام عسکری علیه السلام در کنار هم ذکر شده است؛ اما مهم آن است که دریابیم نماز و زیارت اربعین انسان را چگونه متدین می‌کنند.

شکوفایی عقل در پرتو نهضت **حسینی**، آیت الله جوادی

آملی، ص ۲۲۷.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِمَا أَهْلًا بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِمَا أَهْلًا بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِمَا أَهْلًا بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِمَا أَهْلًا بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِمَا أَهْلًا بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِمَا أَهْلًا بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زیارت از قُرب و بُعد یکسان است

یکی از برجسته‌ترین وظایف ما شیعیان، زیارت «اربعین» است. در جریان زیارت هم این چنین است؛ آن طوری که مرحوم صدوق رحمة الله علیه در کتاب شریف توحید از وجود مبارک حضرت امیر علیه السلام نقل کرد، فرمود: «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ» یعنی چه؟ ما «حَى عَلَى الصَّلَاةِ»، «حَى عَلَى الْفَلَاحِ»، اینها را می‌فهمیم؛ اما «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ» یعنی چه؟ فرمود: «حَانَ وَقْتُ الزِّيَارَةِ»؛ زیارتنامه خدا نماز است.

بنده اگر بخواهد به حضور پروردگار بار یابد و خدا را زیارت کند، زیارت خدا نماز است. پس زیارت از «زیارت الله» شروع می‌شود که انسان با او گفتگو می‌کند، حرف خودش را می‌زند، خواسته خودش را در بین می‌گذارد، هرچه دارد در قنوت و غیر قنوت می‌تواند با خدا در میان بگذارد، این زیارت خداست.

زیارت انبیای الهی و ائمه معصومین علیهم السلام در تِلْوِ همین زیارت الهی معنا پیدا می‌کند، انسان به حضور آن‌ها مشرف می‌شود. اینکه زیارت از قُرب و بُعد یکسان است، از نظر معنا گرچه درجات آن فرق می‌کند، برای همین است. در جریان زمان و زمین، قُرب زمینی معیار است؛ اگر کسی توانست در زیارت اربعین به کربلا مشرف شود، فوز و فیض بیشتری دارد و اگر آن توفیق نصیب او نشد، زیارت از دور معقول و ممکن است، زیرا آن‌ها دور و نزدیک حضور دارند.

اگر زیارت خانه خدا و پیامبر در تِلْوِ زیارت ذات اقدس الهی است و زیارت خدای سبحان قُرب و بُعدی ندارد، زیارت این خاندان هم به برکت توحید، قُرب و بُعدی ندارد. بنابراین این زیارت اربعین و سایر زیارت‌ها، در هر زمان و زمینی جا دارد، برای اینکه آن‌ها در هر زمان و زمینی به اذن خدای سبحان حاضر هستند.



ذکر مصیبت اربعین از آیت الله احمدی میانجی

به هر حال، نوشته‌اند: اهل بیت علیهم السلام وارد کربلا شدند، طبعاً اگر انسان قبلاً به جایی رفته باشد و در آنجا حادثه‌ای رخ داده باشد، وقتی که دوباره از آنجا می‌گذرد، آن حادثه جلوی چشمش مجسم می‌شود. هر قدر که اهل بیت به کربلا نزدیک می‌شوند، اضطراب دل‌ها زیادتر می‌شود، التهاب اهل بیت علیهم السلام بیشتر می‌شود؛ چون حادثه در آنجا واقع شده، جلوی چشمان آن‌ها مجسم می‌شود که عزیزانشان چگونه قطعه قطعه شدند؛ چگونه تیر به حلق علی اصغرشان خورد، امام حسین علیه السلام چگونه در خون دست و پا می‌زد.



جابر هم با رفیقش عطیه از مدینه آمده بود. عطیه غلام نبود، بلکه عطیه یکی از اصحاب بود. چون جابر نابینا شده بود، به عطیه گفت دست مرا بگیر تا برویم کنار فرات. رفتند کنار فرات و از آن آبی که یک قطره از آن را به امام حسین علیه السلام ندادند، جابر غسل کرد و مانند مُحَرَّم، لباس پوشید. این گونه به نظرم می‌آید که دو تا لباس احرام پوشید، پیوسته ذکر خدا

می‌گفت و قدم‌ها را کوتاه بر می‌داشت که ثوابش زیادتر باشد. تا اینکه خودش را کنار قبر رساند. گفت: عطیه دست من را بگذار روی قبر حسین علیه السلام. عطیه دست جابر را گذاشت روی خاک قبر امام حسین علیه السلام. می‌گویند: جابر سه مرتبه با صدای بلند گفت: یا حسین! اما جواب نشنید. چون جواب نشنید، به حسب ظاهر، عبارتش گلایه است؛ گفت: حیب لا یجیب حیبیه؛ این شرط صداقت و محبت نیست که من تو را صدا بزنم و تو جوابم را ندهی. بعد خودش به خودش جواب داد و فرمود: جابر! چگونه امام حسین علیه السلام جواب بدهد؛ در حالی که سرش بالای نی، صحرا را گشته و بدنش اینجا زیر خاک مانده است. بعد رو کرد به طرف پایین پای امام حسین علیه السلام و پشت سر، به اصحاب سلام داد. بعد یک جمله فرمود که عطیه تعجب کرد، فرمود: ما هم در این ثواب شما شریک هستیم، در ثواب شهادت شما شریک هستیم. عطیه گفت: چگونه می‌شود تو که شهید نشدی، تو که از اهل و عیال دور نیفتادی، چگونه می‌شود تو که بچه‌هایت یتیم نشدند، در ثواب اینها شریک باشی؟

گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که فرمود: **مَنْ رَضِيَ بِعَمَلٍ قَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ**؛ هر کس به عمل عده‌ای راضی شود، جزء آن گروه است؛ پس ما با اینها در ثواب شریک هستیم. یک وقت دیدند که صدا می‌آید. جابر به یکی از همراهان گفت: ببین چه صدایی می‌آید؟ چه کاروانی می‌آید؟ اینجا راه کاروانی نیست. رفتند برایش خبر آوردند که علی بن الحسین علیه السلام است که با عمه‌ها دارند می‌آیند. جابر از کاروان اسرا استقبال کرد.

عطیه دست جابر را گرفت. در روایت داریم که عده‌ای از بنی هاشم هم بودند که دسته جمعی به استقبال اسرا رفتند. به استقبال کاروانی رفتند که کتک خورده بودند، طعن زبان دیده‌اند، زندان دیده‌اند، انواع مصیبت‌ها را چشیده‌اند، خسته هستند. می‌گویند: امام سجاد علیه السلام به جابر یک جمله گفت. حضرت فرمود: جابر! اصحابت را بردار و از کربلا دور شو، عمه‌های من می‌خواهند گریه بکنند و عزاداری بکنند.

لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم.
و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته.



کرامت و سعادت در اوج سختی و مصیبت

مرحوم آیت الله محمد محمدی ری شهری

نسبت به اهل بیت علیهم السلام ایجاب می‌کرد که به دلیل منزلت والایی که به واسطه شهادت، نصیب امام حسین علیه السلام شد، اظهار مسرت و شادمانی کنیم. وی می‌نویسد:

اگر نبود که پوشیدن لباس سوگواری و مصیبت، به خاطر از میان رفتن نشانه‌های هدایت و تأسیس پایه‌های گم‌راهی، و تأسف بر سعادت‌ی که از دست دادیم و افسوس بر چنین شهادتی، پیروی کردن از فرمان قرآن و سنت است، ما در برابر آن نعمت بزرگ، لباس شادی و خوش حالی می‌پوشیدیم، ولی چون در بی‌تابی و سوگواری، خشنودی صاحب روز معاد نیز هست و نیکان در آن، غرضی دارند، ما لباس عزا پوشیدیم و همواره اشک ریختیم و به چشم‌هایمان گفتیم: «همواره بگریید» و به دل‌هایمان گفتیم: «همانند زنان جوان از دست داده، ماتم بگیرید».^[۲]



در زیارت اربعین سید الشهداء علیه السلام شهادت ایشان که اوج سختی و مصیبت است، کرامت و سعادت دانسته شده است.

این مقام، مقامی است که موجب شد در میان ائمه علیهم السلام چندین ویژگی به ایشان اختصاص یابد. محمد بن مسلم از امام باقر و امام صادق علیهم السلام نقل کرده که فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى عَوَّضَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ قَتْلِهِ أَنْ جَعَلَ الْإِمَامَةَ فِي ذُرِّيَّتِهِ، وَ الشِّفَاءَ فِي ثَرِيَّتِهِ، وَإِجَابَةَ الدُّعَاءِ عِنْدَ قَبْرِهِ، وَلَا تَعُدُّ أَيَّامَ زَائِرِيهِ جَائِئًا وَرَاجِعًا مِنْ عُمْرِهِ.^[۱]

خداوند متعال، در عوض کشته شدن حسین علیه السلام، امامت را در نسل او، و شفا را در خاک مرقد او، و اجابت دعا را نزد قبر او قرار داد و مدت زمان زیارت زائرانش در رفتن و بازگشتن، از عمرشان حساب نمی‌شود.

از همین باب است که از نگاه سید بن طاوس، اگر لزوم پیروی از فرمان قرآن و سنت نبود، اظهار محبت

[۱]. الأمالی، الشیخ الطوسی (۴۶۰ ق)، ص ۳۱۷، ح ۶۴۴.

[۲]. «و لولا امتثال أمر السنة و الكتاب، فی لبس شعار الجزع و المصاب، لأجل ما طمس من أعلام الهداية، و أسس من أركان الغواية، و تأسفاً علی ما فاتنا من تلك السعادة، و تلهفاً علی أمثال تلك الشهادة، و إلا كنا قد لبسنا لتلك النعمة الكبرى أثواب المسرة و البشرية. و حیث أن فی الجزع رضی لسلطان المعاد، و غرضاً لأبرار العباد، فها نحن قد لبسنا سربال الجزوع، و آنسنا بإرسال الدموع، و قلنا للعیون: «جودی بتواتر البكاء»، و للقلوب: «جدی جد ثواكل النساء». الملهوف، السید بن طاووس الحلی (۶۶۴ ق)، ص ۸۳.



وزارت فرهنگ، ارشاد و تفریح و توریسم

خاک سردی با خودش می آورد اما چرا؟
خاک تو آتش به جان شیعیان انداخته ست؟

محمد حسن ملکیان

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم:

إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا
هَمَانًا بِهِ سَبَبُ شَهَادَتِ حُسَيْنٍ عليه السلام
حرارتی در دل های مؤمنان است
که هرگز سرد و خاموش نمی گردد.

مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۱۸